

## شرایط و موجبات حد در شرب خمر

مسکر یعنی چه ؟

سکر به معنی مستی و حالتی است که میان انسان و عقل او عارض می شود یا قرار می

گیرد و یا حالتی است که از نوشیدن الکل اتیلیک و اقسام دیگر آن حاصل می شود .

سکر اسمی است برای هر چیز که سکر آورد و مست کننده باشد .

سکر یعنی بند آوردن و بسته شدن مجرای آب و این تعبیر به جهت اینکه میان انسان و

عقلش که آب حیات او است سد می گردد . (۱)

**علامه طباطبایی ، صاحب تفسیر المیزان عقیده دارد :**

« ظاهراً اصل در معنی کلمه زوال عقل به خاطر استعمال چیزی است که عقل را زائل می

کند . (۲) بعضی از اندیشمندان اسلامی مسکر را عبارت از چیزی می دانند که موجب

اختلال در نظم کلام و افشاء راز می گردد و به قولی : « چیزی است که موجب اختلال

ادراک و عقل می شود و در اکثر مرتکبین به شرب خمر با شادی و توانایی کاذب همراه

است . » (۳)

گفته شد ، هر آنچه اثر آن فقط اختلال باشد ( مرقد ) نام دارد که خواب آوراست و حواس انسانی را از کار می اندازد و گرنه مفسد عقل است . مانند بنگ . حشیش ، صاحب جواهر الکلام می فرماید :

اما ما یغیرالعقل لا غیر ( ۴ ) فهو المرقدان حصل معه تغیب الحواس الخمس و الا فهو المفسد العقل لما فی البنج و الشوکران « صاحب جواهر مرجع تشخیص مسکر و وجه فارق و ممیز را « مرقد » و مخدر از نظر « عرف » تعریف می کند . ( ۵ ) با توجه به این که غفلت و بی خبری نوعی مستی است . لذا به آن ( سکر ) گفته اند . از

جمله در سوره حجر آه ۷۲ از قرآن کریم می فرماید : « لعمرک انهم لفی سکرتهم یعمهون » یعنی ای محمد ، به جان تو سو گند که آنان ( مردم دنیا ) همیشه در غفلت خود سرگردان خواهند بود . ( یا مست شهوات نفسانی و در گمراهی و حیرت خواهند بود ) .

یا سکر الموت ” در سوره ق آیه ۱۱۹ به معنی مرگ آمده که همان بیهوشی و شدت و سختی مرگ است که بر عقل غالب می شود و هوش از سر انسان می رود .

همچنین در آیه ۱۵ سوره حجر بیان می دارد :

« انما سکر ابصار نابل نحن قوم مسحورون » یعنی جز این نیست که چشمان ما را محمد فرو بسته و در ما سحر و جادو بکار برده است .

در این آیه ، مقصود این است که دیدگان ما (کفار) حیران شد . لذا سکر در مفهوم حیران شدن بکار رفته است که نوعی مستی و بی شعوری را بیان می دارد . ( ۶ ) پس ، مسکر = مست کننده ، سکران = مست و سکاری به معنی مستان است . آیه ۴۳ سوره نساء

مقرر می دارد : « و لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری » یعنی هرگز با حال مستی به نماز نیایید ؛ تا بدانید که چه می گوئید . این خطاب به اهل ایمان است که در مقطعی از تاریخ صدر اسلام با تخلف از موازین در حال مستی قیام به نماز می کردند .

### خمر :

خمر ، به معنی ستر و پوشاندن چیزی است . هر چیزی که با آن یا بوسیله آن پوشانده شود خمار نیز گفته می شود که جمع آن خمر است و به روسری هم می گویند . همانگونه که خداوند سبحان در سوره نور آیه ۳۱ می فرماید « و لیضربن بخشرهن علی حیوبهن » یعنی : روپوش خویش را بایستی بر طرفین شانه ها و گریبان خود قرار دهند به هر نوشیدنی مست کننده و یا به شراب یا آشامیدنی مست کننده یا می و باده از آن جهت خمر می گویند ،

که عقل را می پوشاند و زایل می کند . ( ۷ )

راغب در مفردات خود اضافه می کند : « نامیدن خمر به نوشیدنی که سکر آور است ، برای این است که در مرکز و جایگاه خرد انسان پنهان می شود و آن را اشغال و تباه می سازد . » ( ۸ ) لهذا محکوم به حرام بودن است و تاکید به اجتناب و دوری از آن می شود .

آیات قرآنی مربوط به این مساله از این قرار است:

در ادیان الهی بخصوص در دین اسلام، خمر و شرب آن حرام است. زیرا چیزی را که

زائل کننده عقل است، خداوند حلال نمی شمارد. نظر دین اسلام در تحریم شرب و هر

چیز مست کننده است؛ ولو یک قطره و یا مخلوط با چیز دیگر باشد در خصوص خمر و

راجع به آیاتی که سخن از خمر و اجتناب و حرام بودن آن می کند، چنین استفاده می

شود که خداوند طی آیات متعدد با زمینه سازی، مقدمه چینی و بالاخره با آماده کردن

مردم آن را حرام کرده است در این مورد به ترتیب به آیات قرآنی ذیل استناد می شود:

« و من ثمرات النخيل و الاعناب تتخذون منه سكرًا رزقاً حسناً ان فی ذالك لایه لقوم

يعقلون » یعنی از میوه درخت خرما و انگور که از آن نوشابه های شیرین و رزق نیکو

بدست می آورید، در این کار نیز آیت قدرت حق برای خردمندان پدیدار است.

**با توجه به شان نزول آیه، مسلمین مانند کفار با عنایت به مفهوم « سکر »**

شراب می نوشیدند و برای خود حلال می دانستند، تا این که عمر و جمعی از صحابه از

رسول ا... درباره شراب که موجب زوال عقل است فتوا طلب کردند که آیه ۲۱۹ سوره

مبارکه بقره نازل شده است: « یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیها اثم کبیر و منافع للناس

و اثمهما اکبر من نفعهما و... » یعنی ای پیامبر از تو از حکم شراب و قمار می پرسند. بگو

در این دو گناه بزرگی است و منافی برای مردم دارد اما گناه این دو از سود آنها بیشتر است .

پس از نزول این آیه ، بسیاری از مسلمین از شرب خمر دست کشیدن و ترک خمر کردند

، ولی اندکی کماکان باده گساری می کردند . لحن این آیه تند نیست و ددر مقطعی از

زندگی مسلمین و ابلاغ رسالت در این حکم چنین تفهیم می کند ، که ضرر شرب و قمار

از نفع آن بیشتر است ، هر چند با مقایسه آیه ۱۳۳ سوره اعراف که می فرماید :

« قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن والاثم و البغی بغیر الحق » یعنی بگو ای

پیامبر که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در پنهان و گناهکاری و

ستم به ناحق را حرام کرده است ؛ حرمت خمر استفاده می شود زیرا به دلالت آیه « اثم »

حرام است و به وجود اثم در خمر تصریح شده ، در نتیجه خمر حرام است .

در سوره نساء آیه ۴۳۰ فرماید :

« یا ایهاالذین امنوا لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری ، حتی تعلموا ما تقولون » که از مستی در

نماز نهی شده است و به نظر می رسد که بعضی مسلمین در این مقطع تاریخی هنوز از

شراب دست نکشیده بودند . با وصف این که قبلاً ضرر آن بیش از منافعش ذکر شده

است ولی باز هم از شراب استفاده می کردند و حتی پس از مصرف و تناول آن به نماز

می ایستادند .

در مرحله سوم، آیه های ۹۰ و ۹۱ سوره مائده نازل شده است که می فرماید: «یا ایهاالذین امنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» یعنی ای کسانی که ایمان آوردید، جز این نیست که شراب و قمار و بت ها و بخت آزمایی (تیرهای گروبندی، چوبهای قرعه، لاتار) همه این ها پلید و از عمل شیطان است. پس از آنها پرهیز و اجتناب کنید تا رستگار شوید.

در دنباله آیه می فرماید:

«انما یرید الشیطان ان یقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن الصلوه فهل انتم منتهون» یعنی همانا شیطان می خواهد بین شما به وسیله شراب و قمار دشمنی و کینه افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد آیا شما از آن دست بر می دارید؟

در این آیه که در مدینه نازل شده است با جمله «فاجتنبوه و هل انتم منتهون» مقرر می دارد که دیگر کسی حق ندارد به آن نزدیک شود. به عبارت دیگر و به تعبیر علامه طباطبایی آیه می فهماند که تا آن زمان خمر و تناول خمر را ترک نکرده بودند.

علامه طباطبایی، در المیزان از اصول کافی، از قول علی بن یقین نقل می کند که مهدی عباسی خلیفه وقت از امام موسی بن جعفر (ع) پرسیدند: آیا شراب در کتاب خدا حرام است؟ مردم فقط نهی شدنش را می دانند، حرام بودنش را نمی دانند. امام فرمود: «بلکه

آن حرام است». گفت: در کدام محل از کتاب خدا تحریم آمده است یا ابوالحسن؟ امام

فرمود: انما حرم ابی الفواحش... (۹)

بنا به مراتب معروضه شرابخواری از ابتدا در شریعت اسلام حرام بوده است، انهایها نزول

تدریجی آیات اعمال حد شراب خمر از سال دوم هجری قمری به مراحل اجرا در آمده

است.

به هر حال خمر که از انگور است و مشهور به بنت العنقود (۱۰) یعنی دختر رز یا مشروب

الکلی و فقاغ که از شراب اثمار و از جمله آبجو سکرآور، حرام می باشد.

قول نبی اکرم (ص)

۱- حرام...

یعنی خداوند شراب و هر چه مستی آورد حرام کرده است.

۲- اجتبوا الخمر فانها مفتاح کل شر

یعنی: از شراب بگریزید که کلیه همه بدیها است.

۳- اجتبوا کل مسکر

یعنی: از هر چه مست می کند پرهیزید

۴- آنها کم عن قلیل ما اسکر کثیره

یعنی: هرچه زیادش مست می کند از کمش نیز اجتناب کنید. (۱۱)

باعث و موجب ، حد مسکر

آنچه که باعث و موجب اعمال حد مسکر است ، همانا تناول مسکر می باشد بدون توجه به مقدار کم یا زیاد آن .

صاحب شرایع در موجب مسکر و اعمال حد گوید :

« و هو تناول المسکر او الفقاع اختیار مع العلم بالتحريم اذا كان المتناول کاملها » (۱۲)

یعنی: و آن تناول کردن مست کننده یا فقاع است ، از روی اختیار یا علم به حرام بودن ، هر گاه تناول کننده ، کامل باشد . ( یعنی بالغ و عاقل باشد ) بنا بر این قیود چهار گانه مذکور شرایط ضروری برای اعمال حد مسکر است .

صاحب تبصره ، علامه حلی بیان نظر کرده است که : ثلثه اختیار مع العلم بالتحريم و

التکلیف حد ثمانین جلدہ (۱۴)

یعنی ، هر کس مسکری بنوشد ، یا فقاع یا شیره انگور جوشیده ، پیش از آن که دو ثلث آن بخار شود و مکلف باشد و حرمت آن را بداند باید او را هشتاد تازیانه زد .



همین بیان در « مختصر النافع علامه حلی با جمله » و « هو تناول المسکر و الفقاع ... » (۱۴) آمده است .

تناول یعنی : داخل شکم کردن از راه دهان ، چه نوشیدن و یا قاطی کردن با چیز دیگری و فقاع همان شراب اثمار است و از جمله شامل آبجو می شود . لذا در « موجب و باعث حد مسکر » خوردن آن بیان شده است .

ماده ۱۲۳ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ گوید : « خوردن مسکر ، کم یا زیاد ، مست بکند یا نکند خالص باشد یا مخلوط موجب حد است . »

مقتن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ در ماده ۱۶۵ همان عبارت را با اندکی تغییر به کار برده و گفته است : « خوردن مسکر موجب حد است . اعم از آن که کم باشد یا زیاد ، مست بکند یا نکند ، خالص باشد یا مخلوط ، به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند . »

در تبصره ذیل هردو ماده ، آبجو را در حکم شراب دانسته است گر چه مست کننده نباشد و خوردن آن را مستوجب حد تعریف کرده است . فرقی بین « شراب » که از انگور گرفته می شود یا « نبید » از خرما و « نقیع » از کشمش و « مزر » از جو و نیز آنچه از گندم و ذرت

و غیران گرفته می شود ، نیست . لهذا شراب انگور و باقی مست کننده ها چه به تنهایی و چه مخلوط باشد مساویند موجب حرمت و حد است .

فقاع یا آب اثمار « آبجو سکر آور » همانند « نیند » است از نظر حرمت هر چند مسکر نباشد ، فقهای عظام حتی در درمان کردن یا خورش کردن آن خودداری را واجب می دانند ؛ زیرا خداوند متعال علاج و درمان را در حرام و دوائی حرام قرار نداده است .

تبصره ۲ ماده ۱۶۵ ق.م اسلامی و تبصره ۲ ماده ۱۲۳ ق حدود ، خوردن آب انگوری را که خود به جوش آمده یا به وسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است ، حرام می

داند . اما موجب حد نمی شود . (۱۵) مندرجات ماده عیناً از فقه شیعه اخذ شده است که ذیلا اشاره می شود .

عبارت صاحب شرایع چنین است :

« و يتعلق الحکم بالعصیر اذا غلا و اشتد و ان لم یقذف الزیدالا یذهب بالغلیان ثلثاه او

ینقلب خلا » (۱۶)

یعنی : و حکم مذکور (موجب حد بودن) به آب انگور تعلق می گیرد . هر گاه به جوش آید و سفت شود حکم شراب را دارد و نجس است ، هر چند کف نکند (کف از سرش نریزد) مگر این که در اثر جوشیدن آب آن برود (تبخیر شود) یا به سرکه تبدیل گردد .

عصیر خرما یا آب خرما نیز هر گاه بجوشد و به حد مست کردن نرسد، در حرمت آن تشکیک شده و اشبه این است که استصحاب به حلیت شود، مگر این که به حد مست کردن برسد. در این صورت مشمول حکم خواهد بود و نیز آب کشمش یا مویز یا یا زیب، چنانچه در آب خیسانده شود و خود به جوش گردد، یا در اثر حرارت به جوش آید تا زمانی که حد سکر آور نرسیده باشد حرام نمی گردد.

### شرایط حد مسکر

شرایطی که فقهای عظام برای اعمال حد مسکر، بیان داشته اند و عیناً در قوانین جزایی

وارد شده است عبارتند از: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- اختیار ۴- آگاهی

ماده ۱۶۶ ق.م اسلامی، اخیر التصویب و ماده ۱۲۴ ق حدود، شرایط یاد شده را مقرر داشته است و می گوید: حد مسکر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد. این امر متخذ از فقه است که منجمله صاحب شرایعه در جلد ۴ ص ۱۵۶ و صاحب جواهر در جلد ۴۱ ص ۴۵۴ آن را بیان داشته اند.

بنا بر این در خصوص شخص مجبور یا مکره، نابالغ و جاهل به موضوع و حکم جاهل به حرمت مشروب، یا جاهل به مشروب و دیوانه حد جاری نمی شود. کما اینکه محقق حلی، در شرایع و تشریحاً صاحب جواهر در همان مرجع این مطلب را تصریح کرده اند. لیکن در جهل موضوعی و حکمی باید صحت ادعای شارب خمر و تناول کننده مسکر

محتمل باشد تا حد بر او جاری شود ، بنا بر این اگر احتمال صحت ادعای وی نرود ، حد جاری خواهد شد . همانگونه که تبصره ۱ - ذیل ماده ۱۶۶ قانون مجازات اسلامی بر این امر دلالت دارد .

### استثناء در اعمال حد

امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله ، جلد ۴ ص ۲۱۵ مساله ای می فرماید :

« اگر آشامیدن مسکر جهت حفظ نفس از هلاک یا از مرض شدید اضطرار پیدا کند و بیاشامد حد بر او نیست » این فتوا عیناً در ماده ۱۲۵ ق سابق و ماده ۱۶۷ ق.م اسلامی اخیر التصویب آمده است و چنین مقرر می دارد : « هر گاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد ، محکوم به حد نخواهد شد . » همانگونه که ماده ۳۰ قانون راجع به مجازات اسلامی در حالت اضطرار به شرط وجود شرایط از قبیل این که خطر را عمدی ایجاد نکرده باشد و فعل ارتكابی با خطر موجود و عمل متناسب با خطر می باشد ، مجازات ندارد .

### مقدار حد

مقدار حد شرعی و قانونی در شرب خمر مسکر ۸۰ تازیانه است . ماده ۱۷۴ ق.م اسلامی جدید مقرر می دارد : « حد شرب مسکر برای مرد یا زن هشتاد تازیانه است . تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود . »

## صاحب شرایع گوید :

« و هو ثمانون جلدہ رجلا اشارب او فترہ حرا مکان او عبدا و فی روایہ یحد العبد العبد

اربعین و هو مصر و کہ » (۱۷)

صاحب لمعہ گوید

و یجب الحد ثمانون جلدہ تناولہ ...» (۱۸)

راه اثبات جرم

الف : اقرار ب : شہادت

صاحب لمعہ گوید : « و یثبت بشہادہ عدلین او الاقرار مرتین » (۱۹) طبق مادہ ۱۶۹ قانون

مجازات اسلامی ، اقرار در صورتی نافذ است کہ اقرار کننده بالغ ، عاقل ، مختار و دارای

قصد باشد . همین شرط را بہ صاحب شرایع چنین بیان می کند ؛ « و یشرط فی المقر

البلوغ و کما الا العقل والحریہ و الاختیار . » (۲۰)

مادہ ۱۶۸ - دو بار اقرار را بہ شرط اعمال حد می داند همانگونه کہ در مادہ ۱۲۶ قانون

مجازات اسلامی حدود آن را مقرر داشته بود . از طرفی مرد بودن شاہد نیز شرط است . از

نظر اثبات این جرم بہ طریق شہادت همانگونه کہ در فقہ مقرر شدہ است و قانونگذار در

مواد ۱۷۰ و ۱۷۱ ، ۱۷۲ و ۱۷۳ بیان داشته ، لازم است ، با شہادت دو مرد عادل اثبات گردد

و از لحاظ زمان و مکان اختلافی نباشد و احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده مسکر درین نباشد. از طرفی دو شاهد عادل مسلم باشد و یک بار اقرار نیز کافی بر اعمال حد نیست.

بعضی از فقها یک بار اقرار را کافی می دانند. مثلاً آیت...خویی در مبانی تکمله المنهاج فرماید: «نوشیدن مسکر به شهادت دو مرد عادل و یا یک بار اقرار ثابت می شود. بلی ثابت نمی شود به شهادت زنان نه در منظم بودن به شهادت مردنه به صورت انفرادی.» (۲۱)

امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله، سابق الذکر ص ۲۱۷ جلد ۴ مساله ۸ فرماید: «و به دو شاهد عادل ثابت می شود ولی شهادت زنان جداگانه یا به ضمیمه مردان قبول نمی شود و اگر دو شاهد عادل مطلق شهادت دهند در ثبوت آن کفایت می کند و اگر در خصوصیات اختلاف کنند، مثل این که یکی از آنها بگوید، او فقاع آشامید، دیگری بگوید او شراب خورد یا یکی از آنها بگوید او در بازار آشامید دیگری بگوید او در خانه آشامید شراب آن ثابت نمی شود، پس حدی نیست.

به هر صورت اقرار و شهادت که دو طریق اثبات بزه شرب مسکر ذکر شده است، باید جامع شرایط شرعی و قانونیه باشد.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

## منابع:

۱- مفردات، راغب اصفهانی، ترجمه دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی، جلد ۲

انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۳، صص ۳۳۱، ۳۳۳، نشر طوبی یا دائرة المعارف قرآن مجید،

آیت ا... حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات اسلامیة ۱۳۹۸، ه پ ق ص ۳۴۷ و قاموس

قرآن، سید علی اکبر قریشی، جلد ۲ انتشارات اسلامیة ۱۳۵۳ ص ۲۸۲.

۲- المیزان جلد ۲۴، انتشارات محمدی، ذیل کلمه "سکرا".

۳- نظر آقای سید علی، صاحب ریاض الجنه به نقل از آیت ا... محمد محمد گیلانی،

صاحب کتاب حقوق کیفری در اسلام، انتشارات المهدی، ۱۳۶۱ ص ۱۷۵.

۴- مقصود از لاغیر... در جمله صاحب جواهر یعنی غیر از آنچه که عقل را تغییر می دهد

و با آن سرور و قوت نفس حاصل می گردد، در اغلب کسانی که آن را تناول می کنند.

۵- رجوع به جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، جلد ۴۱ انتشارات اسلامیة ۱۴۰۰ ه

پ ق ص ۴۴۹.

۶- قاموس قرآن، همان، ص ۲۸۲ و مفردات قرآن راغب اصفهانی، ص ۳۳۳ و حقوق

جزایی اسلام، عباسعلی محمودی، جلد ۶، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶، ص ۷.

۷- قاموس قرآن، جلد ۲، ص ۲۹۹ و مفردات راغب، جلد اول ص ۷۰۸



۸- مفردات راغب ، جلد اول ، ص ۷۰۸.

۹- المیزان ، جلد ۲، ص ۲۰۷.

۱۰- فرهنگ جدید عربی ، فارسی ، ترجمه محمد بندرریگی ، انتشارات اسلامی ، جلد ۲ ،

و ۱۳ ص ۳۷.

۱۱- نهج الفصاحه ، ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده ، انتشارات جاویدان ، ۱۲ و ۶ جلد اول ،

ص ۲۸۶.

۱۲- شرایع الاسلام ، محقق حلی ، ابوالقاسم نجم الدین ، انتشارات اسماعیلیان ، جلد ۴ ،

ص ۱۵۵.

۱۳- تبصره علامه حلی ، انتشارات اسلامیة ، ۱۳۶۹ ص ۷۴۲

۱۴- مختصرالنافع ، علامه حلی ، انتشارات دینی ۱۳۶۸ ص ۲۲۲

۱۵- تحریرالوسیلہ ، امام خمینی ، جلد ۴، ص ۲۱۵ مساله ۲ و شرایع ، جلد ۴ ص ۱۵۶ ،

المختصر المنافع ، ص ۲۲، و لمعه ص ۲۴۱

۱۶- ۱۷- شرایع اسلام - محقق حلی ، انتشارات اسماعیلیان - جلد ۴ ص ۱۰۶

۱۸- لمعه ص ۲۴۱

۱۹ - شرایع جلد ۴ ص ۱۵۶ لمعه ص ۲۴ و ۲۴۲

۲۰ - همان منبع

۲۱ - مبانی تکمله المنهاج ، آیت ...خویی ، جلد اول ، ص ۲۲۰ ، به نقل از حقوق جزایی

اسلام ، عباسعلی محمودی ، ص ۴۸ .

**نویسنده: دکتر فتوت نصیری سواد کوهی**